

# کیمیان

فرهنگ را می‌توان یکی از زیربنایی‌ترین مؤلفه‌های هر جامعه انسانی دانست که تأثیرات آن در ساختار و جهت‌دهی مسیر حرکت جوامع بسیار اساسی و حائز اهمیت است. از طرفی فرهنگ، تجلیات مختلفی دارد که آن را از کلیت اولیه تبدیل به موضوعات محدودتر و تخصصی‌تری می‌کند که از آنها به‌عنوان فرهنگ‌های منفak پای می‌شود، همچون فرهنگ سیاسی، فرهنگ اجتماعی، فرهنگ اقتصادی، فرهنگ دینی، فرهنگ مدیریتی و… که در میان همه اینها فرهنگ سیاسی جزو اصلی‌ترین مؤلفه‌های فرهنگ است که تأثیرات مستقیمی است که بر سرنوشت سیاسی و به تبع آن بر کلیه بخش‌های یک جامعه دارد.

در این میان تعاریف متعددی نیز از فرهنگ سیاسی صورت گرفته‌است که پیش از هرگونه بحث و بررسی‌ای لازم است تعریف مدنظر از این واژه ذکر و مورد تبیین قرار گیرد.

بر این اساس گفته می‌شود فرهنگ سیاسی به‌عنوان بخشی از فرهنگ اجتماعی، مجموعه‌ای از نگرش‌ها و جهت‌گیری‌های یک ملت نسبت به نظام سیاسی، نخبگان سیاسی و قدرت سیاسی است که در تطوّر تاریخی و در ارتباط با رویندهای مختلفی که در درون جامعه رخ می‌دهد، شکل می‌گیرد و نوع و میزان رابطه مردم با سیاست و قدرت را تعیین می‌کند.<sup>[۱]</sup>

همان‌گونه که در تعریف ملاحظه می‌شود فرهنگ سیاسی، موضوعی است که در گذر زمان و در ارتباط با عناصر مختلف موجود در جامعه شکل می‌گیرد و به همین دلیل می‌توان با واکاوی هر فرهنگ سیاسی، عناصر مختلف نگارگذار بر آن را شناسایی و مورد تجزیه و تحلیل قرار داد که یکی از مهم‌ترین این عناصر در کشور ما عبارت است از فرهنگ دینی که با نمادها، مظاهر و شعار خود بر فرهنگ سیاسی کشور ما تأثیرات عمیقی داشته است و در میان نموده‌های فرهنگ دینی نیز باید از عاشورا و قیام امام حسین(ع) به‌عنوان یکی از آثار گذارترین فرازهای

# تأثیر نهضت امام حسین (ع)

# بر فرهنگ سیاسی معاصر ایرانیان

**عاشورا؛ این واقعه و حماسه شورانگیز، در فراز و فرودهای مختلف تاریخ مکتب ایران خود را بر جای گذاشته است و جلوه‌های مهمی از آن در رفتارشناسی ملت ایران نسبت به سیاست و قدرت همواره مشهود بوده است و با سرعت یافتن روند تغییرات و تحولات، این تأثیرات نیز ظهور و بروز بیش‌تری داشته است.**

تاریخ بر کلیت فرهنگ جامعه ایرانی و به‌ویژه فرهنگ سیاسی آن در طول تاریخ پس از پذیرش اسلام توسط ایرانیان و به‌ویژه در دوران معاصر یاد کرد.

عاشورا؛ این واقعه و حماسه شورانگیز، در فراز و فرودهای مختلف تاریخ ملت ایران به‌گونه‌های مختلف تأثیرات خود را بر جای گذاشته است و جلوه‌های مهمی از آن در رفتارشناسی ملت ایران نسبت به سیاست و قدرت همواره مشهود بوده است و با سرعت یافتن روند تغییرات و تحولات، این تأثیرات نیز ظهور و بروز بیشتری داشته است و از آن‌جا که دوران معاصر را می‌توان پرفرازونشیب‌ترین دوران سیاسی و فرهنگی جامعه ایرانی دانست شایسته است تأثیر این عنصر فعال در عرصه فرهنگ ایرانیان را مورد بررسی قرار دهیم.

البته در این تحقیق قصد ما واکاوی تأثیر حادثه عاشورا بر کلیت فرهنگ ایران و ایرانیان نیست بلکه هدف، بررسی این تأثیر در بخشی از فرهنگ جامعه ایرانی به نام فرهنگ سیاسی می‌باشد، چرا که حادثه عاشورا با توجه به ماهیت و روندی که داشته است این ظرفیت و پتانسیل را دارد که در فرهنگ سیاسی تأثیر گذار باشد.

از سوی دیگر بررسی روند تحولات سیاسی تاریخ معاصر ایران حاکی از این است که کشور ما تاریخ پرفرازونشیبی را گذرانده و یکی از مهم‌ترین مقاطع تاریخی ملت ایران در حال طی شدن است که در آن فرهنگ‌های مهاجم به‌صورت آشکار و پنهان در حال فعالیت و تأثیرگذاری بر فرهنگ ایرانیان و به‌ویژه فرهنگ سیاسی آنان بوده و هدف نهایی‌شان نیز به زانو درآوردن فرهنگ ناب اسلامی ایرانیان و نابود کردن عناصر تأثیرگذار بر این فرهنگ و کارووبه‌های آن در بخش فرهنگ سیاسی می‌باشد. همچنین در این مقطع مهم و سرنوشت‌ساز از کشورمان، شاهد تحولاتی بوده‌ایم که نه تنها فضا را در تحولات تاریخی ملت ایران به‌شمار می‌آید بلکه پس‌لرزه‌های آن به‌گونه‌ای بوده‌است که بر تمام جهان تأثیرات خاص خود را بر جای گذاشته است.

**داسستان بی‌وفایی کوفیان همواره در فرهنگ سیاسی شیعیه به‌عنوان یک درس عبرت بوده است که در آن شیعیان با دوری جستن از تکرار این موضوع در ساریر ادوار تاریخی، میزان صداقت خود را محک می‌زنند. این موضوع در فرهنگ سیاسی ایران معاصر نیز تأثیرات خاص خود را داشت لذا از آغاز نهضت امام خمینی(ره)، مردم نه تنها امام خویش را رها نکردند بلکه با همت و حضور خود، این انقلاب را به پیروزی رسانده و پس از انقلاب اسلامی نیز همچنان از رهبر خویش حمایت می‌کنند و شعار «ما اهل کوفه نیستیم علی تنها بماند» آنان گواهی بر بصیرت و عبرت آموزی از آن دوران می‌باشد.**

در این میان یکی از عناصر تأثیرگذار بر روند این تحولات را باید تأثیرات حاصل از واقعه عاشورا و قیام امام حسین(ع) بر فرهنگ سیاسی ایرانیان دانست که در این‌جا به برخی از این تأثیرات اشاره می‌کنیم:

۱- نفی حاکمیت طاغوت

یکی از مهم‌ترین آموزه‌های دین مبین اسلام به تصریح قرآن کریم اجتناب از طاغوت است که در فرهنگ شیعه یکی از بارزترین جلوه‌های آن اجتناب از حاکمیت طاغوت بر جامعه می‌باشد. از طرفی دیگر نفی طاغوت یکی از مهم‌ترین جلوه‌های قیام ایاپندالله(الحسین) است و اساسا جرقه قیام ایشان نیز مسئله اجتناب از بیعت با حاکم باطل و طاغوت زمان یعنی یزید بن معاویه بود که باعث شد تا امام حسین(ع) شایه با خاندان خویش از مدینه خارج و به سمت مکه حرکت کند. آن حضرت پس از امتناع از بیعت با یزید در بیان علت امتناع خویش از بیعت با یزید اعلام کرد: «و علی الاسلام السلام اذ قد بلیت الامة برع مثل یزید»<sup>[۱]</sup> یعنی وقتی والی مسلمانان کسی همچون یزید باشد باید فاتحه

انگاشته و عهد خدا را شکسته، مخالف سنت رسول خداست و نسبت به بندگان گناه و عداوت پیشه کرده است اما با این حال نسبت به او سکوت اختیار کرده و با سخن و عمل هیچ واکنشی نسبت به آن نشان نمی‌دهد بر خاندان است که او را هم‌رتبه آن سلطان جائز آدر جهنم آ قرار دهد.

آن‌گاه که از مدینه خارج می‌شد ماهیت عمل خویش را نه انکار خالی نسبت به طاغوت بلکه قیام علیه سلطان ظالم و مفید عنوان کرده و فرمود: «بِئْسَ لِمَ أَرْجَحُ أُشْرًا وَلَا تَبْرًا وَلَا مُنْضًا وَلَا ظُلْمًا، وَأِنَّمَا جَرَحْتُ لِبَلْبِ الْإِصْلَاحِ فِی أُمَّةٍ جَدَّتْ مَحْمَدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ»<sup>[۱]</sup> من بی‌جهت و از سر ایجاد شرارت و با یا هدف ظلم و فساد خروج نکردم بلکه به خاطر طلب اصلاح در امت جدم پیامبر(ص) قیام نمودم.

شیعیان از در طول تاریخ و به‌ویژه در دوران معاصر در جریان تحولات انقلاب اسلامی علاوه‌بر انکار قلبی نسبت به طاغوت که همواره در آنها دل و به‌عنوان بخشی از فرهنگ سیاسی آنها بود با حرام اعلام شدن فقیت از سوی امام خمینی(ره)، از وضعیت

## معارف

MaarefKayhan@Kayhan.ir

این موضوع در فرهنگ سیاسی ایران معاصر تأثیر خود را بر جای گذاشته و همان‌گونه که گفته شد پس از نفی طاغوت و تلاش برای برانداختن آن، زمینه را برای تشکیل حکومت جایگزین که عبارت بود از حکومت حقه اسلامی فراهم کرد که نشانه‌های آن را می‌توان از برخی شعارهای مردم انقلابی در دوران مبارزه که خواستار حکومت اسلامی بودند به خوبی دریافت. همچون شعار «استقلال، آزادی، حکومت اسلامی» که بعدها تبدیل به «جمهوری اسلامی» شد.<sup>[۱]</sup>

به‌دلیل این پیشینه تاریخی در انحاء ایرانیان بود که این شعارها به سرعت جنبه عمل و واقعیت به خود گرفته و خود را در قالب حمایت از تشکیل نظام جمهوری اسلامی در جریان رفراندوم سال ۵۸ نشان داد.

در واقع با مقایسه‌ای میان بند اول و دوم از تأثیرات نهضت حسینی بر فرهنگ سیاسی ایران معاصر می‌توان دریافت که نفی حاکمیت طاغوت بعد سلیی عاشورا بود که در برابر آن لزوم



انقلاب شکوهمند ما از برکات عظیم حادثه کربلاست، رهبر انقلاب اسلامی ۱۳۷۱، ۱۳۷۲

تشکیل حکومت اسلامی به‌عنوان جنبه اثباتی و سازنده ماجرا قرار می‌گرفت.

۴- **بر چسبته شُشدن و ارتقای جایگاه امر به معروف و نهی از منکر**

یکی از مهم‌ترین عناصری که در بحث علل قیام حسینی مطرح می‌شود احیای امر به معروف و نهی از منکر و عمل به آن است. البته امر به معروف و نهی از منکر از جمله واجباتی است که ریشه در آموزه‌های قرآنی داشته و جزو ضروریات دین می‌باشد. که انکار آن توسط هر مسلمانی باعث خروج او از دایره مسلمانی می‌شود. اما متأسفانه این واجب بزرگ پس از پیامبر اسلام(ص) و در اثر سیسیسه‌های دشمنان به ظاهر مسلمان اسلام همچون بنی‌امیه، با تحریف معنایی و کارکردی مواجه شد و از شأن و جایگاه رفیع خود تنزل کرد به‌گونه‌ای که معروف و منکر و کی مورد توجه بوده و به آن امر و یا از آن نهی می‌شد در حد برخی شرایط

همان‌گونه که گفته شد از نظر شیعه هر حکومتی که مأذون از سوی خداوند متعال نباشد مصداق حکومت طاغوت است که باید از آن اجتناب کرد. از طرفی دیگر لزوم وجود حکومت، یک کج‌انداز عقلی و نقلی است. چنان‌که امام علی(ع) در پاسخ به خوراج که از نظریه بی‌حکومتی<sup>[۱]</sup> حمایت می‌کردند فرمودند: لا ید للناس من امر یزیر او فاجر<sup>[۱]</sup> یعنی مردم ناگزیر از داشتن حاکمی هستند چه خوب باشد و چه فاجر.

بنابراین هر حله بعد از اجتناب طاغوت عبارت است از گردن نهادن به حکومت غیرطاغوت که همان حکومت الهی و تشکیل

**امر به معروف و نهی از منکر از جمله واجباتی است که ریشه در آموزه‌های قرآنی داشته و جزو ضروریات دین می‌باشد که انکار آن توسط هر مسلمانی باعث خروج او از دایره مسلمانی می‌شود. اما متأسفانه این واجب بزرگ پس از پیامبر اسلام(ص) و در اثر دسیسه‌های دشمنان به ظاهر مسلمان همچون بنی‌امیه، با تحریف معنایی و کارکردی مواجه شد و از شأن و جایگاه رفیع خود تنسزل کرد به‌گونه‌ای که معروف و منکر و کی بوده و به آن امر و یا از آن نهی می‌ششد در حد برخی احکام فردی و جزئی تنزل یافت و از بسیاری از معروفات و منکرات عملی چشم‌پوشی شد.**

حکام فردی و جزئی تنزل یافت و از بسیاری از معروفات و منکرات عملا چشم‌پوشی شد.

الگوی که امام حسین(ع) در رابطه با عنصر امر به معروف و نهی از منکر دادند عبارت بود از ارتقای جایگاه امر به معروف و نهی از منکر از یک واجب صرفاً فردی به یک واجب اجتماعی، به‌گونه‌ای که این واجب بزرگ، امر انگیزه‌ای برای قیام ایاپندالله(الحسین) شد و هر اینکه با قیام آن حضرت، اثرش آن ارتقا یافت.

به قول شهید مطهری: «همان‌طور که عامل امر به معروف و نهی از منکر ارزش نهضت حسینی را بالا و بالاتر برد متعاساً نهضت حسینی ارزش امر به معروف و نهی از منکر را بالا برد. همان‌طور که تأثیر عامل امر به معروف و نهی از منکر این نهضت امام حسین(ع) است، همان‌طور که تأثیر عامل امر به معروف و نهی از منکر این نهضت امام حسین(ع) است، اهل‌بیت و یاران باوفایش در برابر انواع فشارهای یزیدیان و صبر و استقامت زینب کبری(س) و سایر بانواندگان عاشورایی در برابر حوادث کوفه و شام، عزمشان جزم شد و با توجه به ایمانی که به هدف مقدس‌شان داشتند در این راه نادمه فشار و شکنجه و زندان و تبعیدی را تحمل کردند و سرانجام با پیروزی انقلاب اسلامی ایران شدند. این موضوع پس از پیروزی نیز همچنان به‌عنوان یک عنصر فعال در میان ملت ایران در آمده است به‌گونه‌ای که روحیه مقاومت و پایداری را به‌عنوان یکی از عناصر فرهنگ سیاسی مردم ایران مطرح کرده است.

همین تحمل‌پذیری ملت باعث شد تا در شرایطی که از آغازین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی کشور ما با انواع فشارها اعم از اقتصادی، سیاسی، نظامی و… مواجه بود مردم نه‌تنها سر سوزنی از مواضع خویش عدول نکنند بلکه روز بروز بر حمایت خود از نظام اسلامی و راه عزت‌طلبانه‌ای که در پرتو این نظام مقدس تقوی می‌شود بیفزایند.

**\* مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه علمیه**

[۱] محمدرحیم عبیدی، جامعه‌شناسی سیاسی ایزویسیون در ایران، نشر قوس، ص ۲۱ و ۳۲
[۲] ابوبکر، ص ۱۱
[۳] میرزای یابویی، تبیین الکتّه و تزیه الکتّه (حکومت از نظر اسلام)، ص ۴۶
[۴] تاریخ طبری، ج ۴، ص ۲۰۴
[۵] بحث فقی، «فتی‌المهموم» ص ۴۵
[۶] آنارناییم
[۷] وثائقی‌الفقه فخی، ج ۴، ص ۱۲۵.

[۸] برای مطالعه در این زمینه رک: فرهنگ شعارهای انقلاب اسلامی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹ و همگام با شعارها در انقلاب اسلامی، انتشارات شهید باسلران انقلاب اسلامی، چاپ اول.
[۹] حاکم حسینی، شهید مطهری، ج ۱، ص ۲۲
[۱۰] بیانات در دیدار با اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، ۱۲۹/۸۸۱ و ۱۲۹/۸۸۲

مبارزه با بزرگ‌ترین مظهر گسترش‌دهنده منکرات دوران مدرن یعنی استکبار جهانی به سرمدناری آمریکا نشان می‌دهد.

**۵- درس بصیرت، استقامت و پایداری در پیروی از امام و رهبری قیام**

حوادث مرتبط با قیام حسینی حاوی صحنه‌های عجیب و عبرت‌آموزی از بی‌وفایی و جفاهای مسلمانان نسبت به امام و ولی الهی است که جزو صحنه‌های تاریک این حادثه به‌شمار می‌آید همچون بیعت مردم کوفه با امام حسین(ع) و سفیرش حضرت مسلم و بیعت شکنی و تنها گذاشتن حضرت در صحرای کربلا.

همچنین در این حادثه بزرگ شاهد درس بزرگ وفاداری و جانبازی نیز بودیم که قیمرمانان آن، یاران امام حسین(ع) در کربلا بودند که بارها با صدای بلند اعلام کردند که اگر در روز عاشورا بارها کشته شده و بار دیگر زنده شوند باز هم از یاری ولی خدا دست نبرخواهند داشت.

### چراغ راه

### شاخص رشد و تکامل علمی

**قال الحسین(ع): «من دلائل العالم، انتقاد لحدیثه علمه بحقایق فنون النظر».**

امام حسین(ع) فرمود: از نشانه‌های عالم، نقد سخن و اندیشه خود و آگاهی از نظرات مختلف است.<sup>(۱)</sup>

۱- بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۱۱۹

## حاکمیت خوبان

### امام حسین (ع)، کعبه صاحب‌دلان

حسین را یک روز کشتند و سر او را از بدن جدا کردند. امام حسین(ع) که فقط این تن نیست، حسین که مثل من و شما نیست حسین یک مکتب است و بعد از مرگش زنده‌تر می‌شود. دستگاه بنی‌امیه خیال کرد که حسین را کشت و تمام شد، ولی بعد فهمید که مرده حسین از زنده حسین مزاحم‌تر است. تربت حسین کعبه صاحب‌دلان است. زینب هم به یزید همین را گفت: هر نشانه‌ای که داری به کار ببر، ولی مطمئن باشد تو نمی‌توانی برادر مرا بکشی و بمیرانی، برادر من زندگی‌اش طور دیگر است، او نمرد بلکه زنده‌تر شد.<sup>(۱)</sup>

۱- بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۳۵

## پریش و پاسخ

### عوامل تشکیل دهنده

**نهضت امام حسین (ع) (۲)**

پرشن:

**نهضت امام حسین(ع) از چه عوامل و مؤلفه‌هایی تشکیل شده، و از میان آنها کدام عامل نقش بر تر تعیین‌کننده‌تری داشته است؟ پاسخ:**

در بخش نخست پاسخ به این سؤال به مباحثی همچون: چند علتی بودن پدیده‌های اجتماعی، عوامل اصلی تشکیل‌دهنده نهضت امام حسین(ع) شامل: ۱- نفی بیعت با یزید (ماهیت دفاعی) ۲- دعوت مردم کوفه (ماهیت تعاون) و تقدم امتناع از بیعت بر دعوت مردم کوفه پرداختیم. اینک در بخش پایانی دنباله مطلب را بی می‌گیریم.

**۳- امر به معروف و نهی از منکر (ماهیت انقلابی)**

از روز اولی که امام حسین(ع) از مدینه حرکت کرد، با این شعار حرکت کرد. مسئله این نبود که چون از من بیعت می‌خواهند و من نمی‌پذیرم، قیام می‌کنم، بلکه هدف اصلی امام حسین(ع) این بود که اگر بیعت هم نخواهند، من به حکم وظیفه امر به معروف و نهی از منکر، باید قیام کنم، و من مسئله این نبود که چون مردم کوفه از من دعوت کرده‌اند قیام می‌کنم، بلکه مسئله این بود که دنیای اسلام را منکرات فراگرفته است، و من به حکم وظیفه دینی، و مسئولین شرعی و الهی خود قیام می‌کنم. در عامل اول، امام حسین(ع) مدافع است. به او می‌گویند: بیعت کن، می‌گویند: نمی‌کنم از خودش دفاع می‌کند.

در عامل دوم، امام حسین(ع) متعاون و پاری‌کننده است، او را به همکاری دعوت کرده‌اند، جواب مثبت داده است. در عامل سوم، امام حسین(ع) مهاجم است. یک مرد انقلابی است، یک ناث است می‌خواهد انقلاب کند. یکی از نشانه‌های یک نویسنده کتاب شهید جاوید در اینجا کرده است، این است که برای عامل دعوت مردم کوفه، جایگاه و ارزش بیش از حد قائل شده است. این گویی خیال کرده که عامل اصلی و اساسی این است، که البته این یک اجتهاد و استنباط اشتباه است! در میان این عوامل سه‌گانه اتفاق کوچک‌ترین آنها از نظر تأثیر گذاری، عامل دعوت مردم کوفه است. زیرا اگر عامل اصلی این می‌بود، آن وقتی که به امام خبر رسید که ر زمینه کوفه دیگر متغنی است، امام باید دست از آن حرف‌های دیگوش هم برمی‌داشت. اتفاقاً قضیه برعکس است. داغ‌ترین خلیطه‌های امام حسین(ع) و پرهیجان‌ترین و شورانگیزترین آنها بعد از شکست کوفه است.

اینجاست که نشان می‌دهد امام حسین(ع) تا چه اندازه روی عامل امر به معروف و نهی از منکر تکیه دارد، و اوست که به این دولت و حکومت فاسد هجوم آورده است. روزی که از مدینه حرکت کرد، در او صفت‌نامه برادرش محمدیان حنفیه می‌یوسد: مردم دنیا بداندند که من یک آدم جاهلطب، مقامطلب، اخلاقگر، مفسد و ظالم نیستم، من چنین هدف‌هایی ندارم. قیام، خروج کردم برای اینکه می‌خواهم امت جد خودم را اصلاح کنم و امر به معروف و نهی از منکر بکنم و به سیره جدم و پدرم عمل کنم. (مقتل الحسین، ص ۱۵۶)

**باارزش‌ترین و تأثیر گذارترین عامل نهضت حسینی**

هر عاملی که در معرفی آن ارزش را دارا است و به این نهضت به همان درجه ارزش می‌دهد، عامل دعوت مردم کوفه سیار ارزش دارد، ولی از این بیشتر عامل تقاضای بیعت و امتناع امام حسین(ع) و حاضر به کشته شدن و بیعت نکردن ارزش دارد. عامل سوم که عامل امر به معروف و نهی از منکر است، از این هم ارزش بیشتری دارد. بنا بر این عامل سوم ارزش بیشتری در نهضت حسینی داده است.

**ارزش‌دهی متقابل**

ارزش‌های وحیانی و دینی بر روی یکدیگر تأثیر و تاثر متقابل دارند. در نهضت امام حسین(ع) هر سه عامل دخیل در نهضت حسینی به این نهضت ارزش داد، به ویژه عامل امر به معروف و نهی از منکر، ولی گاهی آن کسی ارزش دارد. عامل سوم که عامل امر به معروف و نهی از منکر است، از این هم ارزش بیشتری دارد. بنا بر این عامل سوم ارزش بیشتری در نهضت حسینی داده است.
این ارزش به او تعلق دارد، یک وضعی پسیدا می‌کند که به این ارزش، این ارزش می‌دهد، همچنان که آن ارزش او را صاحب ارزش می‌کند، او هم شأن است. ارزش را بالا می‌برد. عصمه است- صوحان عبیدی در مورد خلافت امام حسین(ع) می‌گوید: زینت الخلفه و ما زانک، و رفعتها و ما رفعتک، و می‌الی الحوج منک الیها» ا علی تا علی تا که خلیفه شدی، خلافت به تو زینت نداد، تو به خلافت زینت بخشیدی، خلافت تو را بالا نبرد، تو که خلیفه شدی مقام خلافت را بالا بردی، علی، خلافت به تو بیشتر احتیاج داشت تا توبه خلافت (تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۷۹) آری امام حسین(ع) هم در نهضت الهی خود به امر به معروف و نهی از منکر ارزش بخشیدی و جایگاه آن را به حد اعلای خود از نظر تأثیر گذاری و ارزش رساند.

## سلوک عارفانه

### اساس دعوت اسلام بر زور شمشیر نیست!

دعوت نباید توأم با خشونت باشد، و به عبارت دیگر دعوت و تبلیغ نمی‌تواند توأم با اکراه و اجبار باشد. مسئله‌ای که خیلی می‌رسند. آیا اساس دعوت اسلام بر زور و اجبار است؟ یعنی ایمان اسلام، اساسش بر اجبار است؟ این چیزی است که کشیش‌های مسیحی در دنیا روی آن فوق‌العاده تبلیغ کرده‌اند. اسم اسلام را گذاشته‌اند «دین شمشیر» یعنی دینی که شمشیر از شمشیر استفاده می‌کند. شمشکر ندارد که اسلام دین شمشیر هم هست و این کمالی است در اسلام نه نقضی در اسلام، ولی آنها که می‌گویند: «اسلام دین شمشیر» می‌خواهند بگویند ایزار کی است اسلام در دعوت خودش به کار می‌برد شمشیر است.<sup>(۱)</sup>

۱- سیری در سیره نبوی، شهید مرتضی مطهری(ره)، ص ۲۱۴
صفحه **معارف روز های: شنبه ، یک‌شنبه و سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود**
**تلفن‌های مستقیم: ۰۲۱۹۹۱۳۳۹۹ – ۰۲۱۲۲۱۳۵۲۰**
**MaarefKayhan@Kayhan.ir**

۱- سیری در سیره نبوی، شهید مرتضی مطهری(ره)، ص ۲۱۴
صفحه **معارف روز های: شنبه ، یک‌شنبه و سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود**
**تلفن‌های مستقیم: ۰۲۱۹۹۱۳۳۹۹ – ۰۲۱۲۲۱۳۵۲۰**
**MaarefKayhan@Kayhan.ir**



**عوامل تشکیل دهنده**
**نهضت امام حسین (ع) (۲)**

پرشن:

**نهضت امام حسین(ع) از چه عوامل و مؤلفه‌هایی تشکیل شده، و از میان آنها کدام عامل نقش بر تر تعیین‌کننده‌تری داشته است؟ پاسخ:**

در بخش نخست پاسخ به این سؤال به مباحثی همچون: چند علتی بودن پدیده‌های اجتماعی، عوامل اصلی تشکیل‌دهنده نهضت امام حسین(ع) شامل: ۱- نفی بیعت با یزید (ماهیت دفاعی) ۲- دعوت مردم کوفه (ماهیت تعاون) و تقدم امتناع از بیعت بر دعوت مردم کوفه پرداختیم. اینک در بخش پایانی دنباله مطلب را بی می‌گیریم.

**۳- امر به معروف و نهی از منکر (ماهیت انقلابی)**

از روز اولی که امام حسین(ع) از مدینه حرکت کرد، با این شعار حرکت کرد. مسئله این نبود که چون از من بیعت می‌خواهند و من نمی‌پذیرم، قیام می‌کنم، بلکه هدف اصلی امام حسین(ع) این بود که اگر بیعت هم نخواهند، من به حکم وظیفه امر به معروف و نهی از منکر، باید قیام کنم، و من مسئله این نبود که چون مردم کوفه از من دعوت کرده‌اند قیام می‌کنم، بلکه مسئله این بود که دنیای اسلام را منکرات فراگرفته است، و من به حکم وظیفه دینی، و مسئولین شرعی و الهی خود قیام می‌کنم. در عامل اول، امام حسین(ع) مدافع است. به او می‌گویند: بیعت کن، می‌گویند: نمی‌کنم از خودش دفاع می‌کند.

در عامل دوم، امام حسین(ع) متعاون و پاری‌کننده است، او را به همکاری دعوت کرده‌اند، جواب مثبت داده است. در عامل سوم، امام حسین(ع) مهاجم است. یک مرد انقلابی است، یک ناث است می‌خواهد انقلاب کند. یکی از نشانه‌های یک نویسنده کتاب شهید جاوید در اینجا کرده است، این است که برای عامل دعوت مردم کوفه، جایگاه و ارزش بیش از حد قائل شده است. این گویی خیال کرده که عامل اصلی و اساسی این است، که البته این یک اجتهاد و استنباط اشتباه است! در میان این عوامل سه‌گانه اتفاق کوچک‌ترین آنها از نظر تأثیر گذاری، عامل دعوت مردم کوفه است. زیرا اگر عامل اصلی این می‌بود، آن وقتی که به امام خبر رسید که در زمینه کوفه دیگر متغنی است، امام باید دست از آن حرف‌های دیگوش هم برمی‌داشت. اتفاقاً قضیه برعکس است. داغ‌ترین خلیطه‌های امام حسین(ع) و پرهیجان‌ترین و شورانگیزترین آنها بعد از شکست کوفه است.

اینجاست که نشان می‌دهد امام حسین(ع) تا چه اندازه روی عامل امر به معروف و نهی از منکر تکیه دارد، و اوست که به این دولت و حکومت فاسد هجوم آورده است. روزی که از مدینه حرکت کرد، در او صفت‌نامه برادرش محمدیان حنفیه می‌یوسد: مردم دنیا بداندند که من یک آدم جاهلطب، مقامطلب، اخلاقگر، مفسد و ظالم نیستم، من چنین هدف‌هایی ندارم. قیام، خروج کردم برای اینکه می‌خواهم امت جد خودم را اصلاح کنم و امر به معروف و نهی از منکر بکنم و به سیره جدم و پدرم عمل کنم. (مقتل الحسین، ص ۱۵۶)

**باارزش‌ترین و تأثیر گذارترین عامل نهضت حسینی**

هر عاملی که در معرفی آن ارزش را دارا است و به این نهضت به همان درجه ارزش می‌دهد، عامل دعوت مردم کوفه سیار ارزش دارد، ولی از این بیشتر عامل تقاضای بیعت و امتناع امام حسین(ع) و حاضر به کشته شدن و بیعت نکردن ارزش دارد. عامل سوم که عامل امر به معروف و نهی از منکر است، از این هم ارزش بیشتری دارد. بنا بر این عامل سوم ارزش بیشتری در نهضت حسینی داده است.

**ارزش‌دهی متقابل**

ارزش‌های وحیانی و دینی بر روی یکدیگر تأثیر و تاثر متقابل دارند. در نهضت امام حسین(ع) هر سه عامل دخیل در نهضت حسینی به این نهضت ارزش داد، به ویژه عامل امر به معروف و نهی از منکر، ولی گاهی آن کسی ارزش دارد. عامل سوم که عامل امر به معروف و نهی از منکر است، از این هم ارزش بیشتری دارد. بنا بر این عامل سوم ارزش بیشتری در نهضت حسینی داده است.
این ارزش به او تعلق دارد، یک وضعی پسیدا می‌کند که به این ارزش، این ارزش می‌دهد، همچنان که آن ارزش او را صاحب ارزش می‌کند، او هم شأن است. ارزش را بالا می‌برد. عصمه است- صوحان عبیدی در مورد خلافت امام حسین(ع) می‌گوید: زینت الخلفه و ما زانک، و رفعتها و ما رفعتک، و می‌الی الحوج منک الیها» ا علی تا علی تا که خلیفه شدی، خلافت به تو زینت نداد، تو به خلافت زینت بخشیدی، خلافت تو را بالا نبرد، تو که خلیفه شدی مقام خلافت را بالا بردی، علی، خلافت به تو بیشتر احتیاج داشت تا توبه خلافت (تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۷۹) آری امام حسین(ع) هم در نهضت الهی خود به امر به معروف و نهی از منکر ارزش بخشیدی و جایگاه آن را به حد اعلای خود از نظر تأثیر گذاری و ارزش رساند.



### اساس دعوت اسلام بر زور شمشیر نیست!

دعوت نباید توأم با خشونت باشد، و به عبارت دیگر دعوت و تبلیغ نمی‌تواند توأم با اکراه و اجبار باشد. مسئله‌ای که خیلی می‌رسند. آیا اساس دعوت اسلام بر زور و اجبار است؟ یعنی ایمان اسلام، اساسش بر اجبار است؟ این چیزی است که کشیش‌های مسیحی در دنیا روی آن فوق‌العاده تبلیغ کرده‌اند. اسم اسلام را گذاشته‌اند «دین شمشیر» یعنی دینی که شمشیر از شمشیر استفاده می‌کند. شمشکر ندارد که اسلام دین شمشیر هم هست و این کمالی است در اسلام نه نقضی در اسلام، ولی آنها که می‌گویند: «اسلام دین شمشیر» می‌خواهند بگویند ایزار کی است اسلام در دعوت خودش به کار می‌برد شمشیر است.<sup>(۱)</sup>

۱- سیری در سیره نبوی، شهید مرتضی مطهری(ره)، ص ۲۱۴
صفحه **معارف روز های: شنبه ، یک‌شنبه و سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود**
**تلفن‌های مستقیم: ۰۲۱۹۹۱۳۳۹۹ – ۰۲۱۲۲۱۳۵۲۰**
**MaarefKayhan@Kayhan.ir**